

فداکاري بي نظير

<"xml encoding="UTF-8?">

اعمال و رفتار هر فرد، زاييده طرز تفکر و عقیده او است. جانبازي و فداکاري از نشانه‌هاي افراد با ايمان است. اگر ايمان انسان به چيزي به حدي برسد که آن را بالاتر از جان و مال خود بداند، قطعا در راه آن سر از پا نمي‌شناسد و هستي و تمام شؤون خويش را فدائي آن مي‌سازد. قرآن مجيد اين حقيقت را در آيه زير منعکس کرده است: انما المؤمنون الذين آمنوا بالله و رسوله ثم لم يرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسهم في سبيل الله اولئك هم الصادقون . (حجرات: 15) " مؤمنان کساني هست که به خدا و پيامبر او ايمان آوردند و در آن هرگز ترديد نکردند و با مال و جان خود در راه خدا کوشيدند؛ آنان به راستي در ايمان خود صادقند.

در سالهاي آغاز بعثت، مسلمانان سخت ترين شکنجه‌ها و زجرها را در راه پيشبرد هدف تحمل مي‌کردند. آنچه که دشمنان را از گرايش به آيين توحيد باز مي‌داشت همان عقايد خرافي نيکان و حفظ مقام خدايان و تفاخر به امتيازات قومي و طبقاتي و کينه‌هاي موروثي قبيله‌اي بود. اين موانع تا روزي که پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مکه را فتح کرد، بر سر راه پيشرفت اسلام در مکه و اطراف آن وجود داشت و جز با قدرت نيرومند ارتش اسلام از ميان نرفت.

فشار قريش بر مسلمانان سبب شد که گروهي از آنان به حبشه و گروه ديگري به يثرب مهاجرت کنند. با آنکه پيامبر و حضرت علي از حمايت‌خاندان بني هاشم و بالاخص ابوطالب برخوردار بودند، اما جعفر بن ابي طالب ناگزير شد به همراه تني چند از مسلمانان در سال پنجم بعثت مکه را به عزم حبشه ترک گويد و تا سال هفتم هجرت که سال فتح خيبر بود در آنجا اقامت گزيند.

پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم در سال دهم بعثت حضرت ابوطالب، بزرگترين حامي و مدافع خويش را، در مکه از دست داد. بيش از چند روز از مرگ عموي بزرگوارش نگذشته بود که همسر مهربان او خديجه، که هيچ گاه از بذل جان و مال در پيشبرد هدف مقدس پيامبر دريغ نمي‌داشت، نيز چشم از جهان پوشيد. با در گذشت اين دو حامي بزرگ، ميزان خفقان و فشار بر مسلمين در مکه فزوني گرفت؛ تا آنجا که در سال سيزدهم بعثت، سران قريش در يک شوراي عمومي تصميم گرفتند که ندائي توحيد را بازنداني کردن پيامبر يا با کشتن و يا تبعيد او خاموش سازند. قرآن مجيد اين سه نقشه آنان را ياد آور شده، مي‌فرمايد:

واذ يمکر بک الذين کفروا ليثبتوک او يقتلوک او یخرجوک ويمکرون و يمکر الله و الله خير الماکرين (انفال: 30) به ياد آور هنگامی را که کافران بر ضد تو حيله کردند و بر آن شدند که تو را در زندان نگه دارند يا بکشند و يا تبعيد کنند. آنان از در مکر وارد مي‌شوند و خداوند مکر آنان را به خودشان باز مي‌گرداند؛ و خداوند از همه چاره جوتر است.

سران قريش تصميم گرفتند که از هر قبيله فردي انتخاب شود و سپس افراد منتخب به هنگام نيمه شب يکباره بر خانه محمد صلي الله عليه و آله و سلم هجوم برده، او را قطعه قطعه کنند. بدین طريق، هم مشرکان از تبليغات او آسوده مي‌شدند و هم خون او در ميان قبایل عرب پخش مي‌شد و لذا خاندان هاشم نمي‌توانست با

تمام قبایلی که در ریختن خون وی شرکت کرده بودند به خونخواهی و مبارزه برخیزند. فرشته وحی پیامبر را از نقشه شوم مشرکان آگاه ساخت و دستور الهی را به او ابلاغ کرد که باید هرچه زودتر مکه را به عزم یثرب ترک کند.

شب مقرر فرا رسید. مکه و محیط خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تاریکی شب فرو رفته بود. ماموران مسلح قریش هر یک از سویی به جانب خانه رسول خدا روی آوردند. اکنون پیامبر باید با استفاده از شیوه غافلگیری خانه را ترک کرده، در عین حال، چنین وانمود کند که در خانه است و در بستر خود آرمیده است. برای اجرای این نقشه لازم بود که فرد جانبازی در بستر او بخوابد و روانداز سبز پیامبر را به خود بپیچد تا افرادی که نقشه قتل او را کشیده‌اند تصور کنند که او هنوز خانه را ترک نگفته است و لذا توجه آنان فقط معطوف به خانه او شود و از راه عبور و مرور افراد در کوچه و بیرون مکه جلوگیری نکنند. اما کیست که از جان خود بگذرد و در خوابگاه پیامبر بخوابد؟ این فرد فداکار، لابد کسی است که پیش از همه به وی ایمان آورده است و از آغاز بعثت، پروانه‌وار، گرد شمع وجود او گردیده است. آری، این شخص شایسته کسی جز حضرت علی - علیه السلام نیست و این افتخار باید نصیب وی شود.

از این رو، پیامبر رو به حضرت علی کرد و گفت: مشرکان قریش نقشه قتل مرا کشیده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به طور دسته جمعی به خانه من هجوم آورند و مرا در میان بستر بکشند. از این جهت از طرف خدا مأمورم که مکه را ترک کنم. لذا لازم است امشب در خوابگاه من بخوابی و آن پارچه سبز را به خود بپیچی تا آنان تصور کنند که من هنوز در خانه ام و در بسترم آرمیده ام و مرا تعقیب نکنند. و حضرت علی - علیه السلام در اطاعت امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آغاز شب در بستر آن حضرت آرمید.

چهل نفر آدمکش اطراف خانه پیامبر را محاصره کرده بودند و از شکاف در به داخل می‌نگریستند و وضع خانه را عادی می‌دیدند و گمان می‌کردند که پیامبر در بستر خود آرمیده است. همه سراپا مراقب بودند و آنچنان وضع خانه را تحت نظر گرفته بودند که جنبش موری از نظر آنان مخفی نمی‌ماند. اکنون باید دید که پیامبر اکرم، با این مراقبت شدید، چگونه خانه را ترک گفت.

بسیاری از سیره نویسان بر آنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که آیاتی از سوره یس را قرائت می‌کرد (1) صف محاصره کنندگان را شکافت و آنچنان ازمیانشان عبور کرد که احدی متوجه نشد. امکان این مطلب قابل انکار نیست؛ چه هرگاه مشیت الهی بر این تعلق گیرد که پیامبر خود را از طریق اعجاز و به طور غیر عادی نجات دهد، هیچ چیز نمی‌تواند مانع از آن شود. ولی سخن اینجاست که قراین زیادی حکایت می‌کند که خدا نمی‌خواست پیامبر خود را از طریق اعجاز نجات بخشد، زیرا در این صورت لازم نبود که حضرت علی در بستر پیامبر بخوابد و خود پیامبر به غار "ثور" برود و سپس با زحمات زیادی راه مدینه را در پیش گیرد.

برخی نیز می‌گویند هنگامی که پیامبر از خانه خارج شد همه آنان را خواب ربوده بود و پیامبر از غفلت آنان استفاده کرد. ولی این نظر دور از حقیقت است و هرگز شخص عاقل باور نمی‌کند که چهل آدمکش که خانه را برای این محاصره کرده بودند که پیامبر از خانه بیرون نرود تا در وقت مناسب او را بکشند، مأموریت خود را آنچنان سرسری بگیرند که همگی با خیال آسوده بخوابند!

ولی بعید نیست، همان طور که برخی نوشته‌اند، پیامبر پیش از گرد آمدن تروریستها، خانه را ترک گفته بود. (2)

یورش به خانه وحی

ماموران قریش، در حالی که دستهایشان بر قبضه شمشیر بود، منتظر لحظه‌ای بودند که همگی به خانه وحی یورش آورند و خون پیامبر را که در بسترش آرمیده است بریزند. آنان از شکاف در به خوابگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌نگریستند و از فرط فرح در پوست نمی‌گنجیدند و تصور می‌کردند که به زودی به آخرین آرزوی خود خواهند رسید. ولی علی - علیه السلام، با قلبی مطمئن و خاطری آرام، در خوابگاه پیامبر دراز کشیده بود، زیرا می‌دانست که خداوند پیامبر عزیز خود رانجات داده است.

دشمنان، نخست تصمیم گرفته بودند که نیمه شب به خانه پیامبر هجوم آورند، ولی به علی از این تصمیم منصرف شدند و سرانجام قرار گذاشتند در فروغ صبح وارد خانه شوند و ماموریت خود را انجام دهند. پرده‌های تیره شب به کنار رفت و صبح صادق سینه افق را شکافت. ماموران با شمشیرهای برهنه به طور دسته جمعی به خانه پیامبر هجوم آوردند و از اینکه در آستانه تحقق بزرگترین آرزوی خود بودند از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند، اما وقتی وارد خوابگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شدند حضرت علی - علیه السلام را به جای پیامبر یافتند. خشم و تعجب سراپای وجود آنان را فرا گرفت. رو به حضرت علی کردند و پرسیدند محمد کجاست؟! فرمود: مگر او را به من سپرده بودید که از من می‌خواهید؟ در این موقع، از فرط عصبانیت به سوی حضرت علی - علیه السلام حمله بردند و او را به سوی مسجد الحرام کشیدند، ولی پس از بازداشت مختصری ناگزیر آزادش ساختند و در حالی که خشم گلوی آنان را می‌فشرد تصمیم گرفتند که از پای ننشینند تا جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کشف کنند. (3)

قرآن مجید برای اینکه این فداکاری بی نظیر در تمام قرون و اعصار جاودان بماند، در طی آیهای جانبازی حضرت علی - علیه السلام را می‌ستاید و او را از کسانی می‌داند که جان به کف در راه کسب رضای خدا می‌شتابند: ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد . (بقره: 207) برخی از مردم کسانی هستند که جان خود را برای تحصیل رضای خداوند از دست می‌دهند؛ و خداوند به بندگان خود رؤوف و مهربان است.

جنایتکار عصر بنی امیه

بسیاری از مفسران شان نزول آیه‌های اخیر را حادثه "ليلة المبيت" می‌دانند و بر آنند که آیه به همین مناسبت در باره حضرت علی - علیه السلام نازل شده است. (4)

دانشمند معروف شیعه، مرحوم شیخ طوسی، در امالی خود دنباله واقعه هجرت را که منتهی به نجات پیامبر شد چنین می‌نویسد:

شب هجرت سپری شد و علی - علیه السلام از محل اختفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آگاه بود و برای فراهم ساختن مقدمات سفر پیامبر لازم بود شبانه با او ملاقات کند. (5)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه شب در غار ثور بسر برد. در یکی از شبها حضرت علی - علیه السلام و هند بن ابی هاله فرزند خدیجه به غار رفتند و به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند. پیامبر دستورهایی زیر را به حضرت علی داد :

1) دو شتر برای من و همسفرم آماده کن. (در این موقع ابوبکر گفت: من قبلا دو شتر برای این کار آماده کرده‌ام. پیامبر فرمود: در صورتی این دو شتر را از تو می‌پذیرم که پول هر دو را بپردازم. سپس به علی دستور داد که پول شتران را بپردازد).

2) من امین قریش هستم و هم اکنون امانتهای مردم در خانه من است. فردا باید در محل معینی از مکه بایستی

وبا صدای رسا اعلام کنی که هرکس امانتی نزد محمد دارد بیايد و آن را باز گیرد.

(3) بعد از رد امانتها باید خود را آماده مهاجرت کنی. هروقت نامه من به تو رسید، دخترم فاطمه و مادرت فاطمه و فاطمه دختر زبیر بن عبد المطلب را همراه خود بیاور. و اگر کسانی از بنی هاشم خواستار مهاجرت شدند مقدمات هجرت آنان را نیز فراهم کن. (سپس فرمود:) "از این پس هر خطری که در کمین تو بود از تو برطرف شده است و دیگر آسیبی به تو نخواهد رسید". (6)

دو گواه روشن بر فداکاری امام (ع) فداکاری امیر مؤمنان - علیه السلام در شبی که خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرف آدمکشان قریش محاصره شده بود امری نیست که بتوان آن را انکار کرد و یا کوچک شمرد. خداوند برای اینکه به این رویداد تاریخی رنگ ابدی و جاودانی بخشد در قرآن مجید (سوره بقره، آیه 207) از آن یاد کرده است و مفسران بزرگ نیز در تفسیر آیه مربوط به این واقعه به نزول آن در شان حضرت علی - علیه السلام اشاره کرده‌اند.

و ما در اینجا دو گواه روشن تاریخی بر آن می‌آوریم، این دو مطلب تاریخی گواهی می‌دهد که عمل حضرت علی - علیه السلام در آن شب جز فداکاری نبوده، آن حضرت به راستی آماده قتل و شهادت در راه خدا بوده است. (1) اشعاری که امام - علیه السلام پیرامون این حادثه تاریخی سروده و سیوطی همه آنها را در تفسیر خود (7) نقل کرده است، گواه روشن بر جانبازی اوست:

وقیت بنفسي خير من وطا الحصي محمد لما خاف ان يمكروا به وبت اراعيهم متي ينشرونني ومن طاف بالبيت العتيق و بالحجر فوقاه ربي ذو الجلال من المكر و قد وطنت نفسي علي القتل و الاسر
من جان خود را براي بهترين فرد روي زمين و نيکوترين شخصي که خانه خدا و حجر اسماعيل را طواف کرده است سپر قرار دادم.

آن شخص عالیقدر محمد بود. و من هنگامی دست به این کار زدم که کافران نقشه قتل او را کشیده بودند ولی خدای من او را از مکر دشمنان حفظ کرد.

من در بستر وی بیتوته کردم و در انتظار حمله دشمن بودم و خود را برای مرگ و اسارت آماده کرده بودم. (2) دانشمندان سنی و شیعه نقل کرده‌اند که خداوند در آن شب به دو فرشته بزرگ خود، جبرئیل و میکائیل، خطاب کرد که: اگر من برای یکی از شما مرگ و برای دیگری حیات مقرر کنم کدام یک از شما حاضر است مرگ را بپذیرد و زندگی را به دیگری واگذار کند؟ در این لحظه هیچ کدام نتوانست مرگ را بپذیرد و در راه دیگری فداکاری کند. سپس خدا به آن دو فرشته خطاب کرد که: به زمین فرود آیید و ببینید که علی چگونه مرگ را خریده، خود را فدای پیامبر کرده است؛ سپس جان علی را از شر دشمن حفظ کنید. (8)

اگر از نظر بعضی مرور زمان بر این فضیلت بزرگ پرده کشیده است، ولی در آغاز اسلام عمل حضرت علی - علیه السلام در نظر دوست و دشمن بزرگترین فداکاری به شمار می‌رفت. در شورای شش نفری که به فرمان عمر برای تعیین خلیفه تشکیل شد علی - علیه السلام با ذکر این فضیلت بزرگ بر اعضای شورا احتجاج کرد و گفت: من شما اعضای شوری را به خدا سوگند می‌دهم که آیا جز من کسی بود که برای پیامبر در غار (حرا) غذا ببرد؟ آیا جز من کسی در جای او خوابید و خود را سپر بلاي او کرد؟ همگی گفتند: والله جز تو کسی نبوده است. (9) مرحوم سید بن طاووس در باره فداکاری حضرت علی - علیه السلام تحلیل جالبی دارد و آن را به فداکاری اسماعیل و تسلیم او در برابر پدر قیاس کرده، برتری ایشان حضرت علی - علیه السلام را اثبات کرده است. (10)

پی نوشت ها :

- 1- منظور آیات هشتم ونهم ازاین سوره است.
- 2- سیره حلبی، ج2، ص. 32.
- 3- تاریخ طبری، ج2، ص. 97.
- 4- مدارک نزول آیه را در باره علی - علیه السلام سید بحرینی در تفسیر برهان (ج1، ص206- 207) ومرحوم بلاغی در تفسیر آلاء الرحمان (ج1، ص 184- 185) نقل کرده‌اند. شارح معروف نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، می گوید: مفسران نزول آیه را در حق علی نقل کرده‌اند. (ر. ک. ج13، ص 262) .
- 5- اعیان الشیعه، ج1، ص. 237.
- 6- متن عبارت پیامبر این است: "انهم لن یصلوا الیک من الآن بشیء تکرهه" .
- 7- الدر المنثور، ج3، ص. 180.
- 8- بحار الانوار، ج19، ص39، به نقل از احیاء العلوم غزالی.
- 9- خصال صدوق، ج2، ص123 ; احتجاج طبرسی، ص. 74.
- 10- ر. ک. اقبال، ص593; بحار الانوار، ج19، ص 98

***** برگرفته از کتاب فروغ ولایت از آیت الله جعفر سبحانی